


نوع مقاله: پژوهشی

## حجم آثار علمی اثرگذار حوزه علمیه قم در زمینه علوم قرآن در سده اخیر\*

علی اوسط باقری / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی\*

bagheri@qabas.net  orcid.org/0009\_0003\_0627\_6294

دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

### چکیده

«علوم قرآن» دانشی است که عوارض ذاتی و اختصاصی قرآن را بررسی می‌کند. در این مقاله آثار علمی اثرگذار حوزه علمیه قم در زمینه علوم قرآن در سده چهاردهم شمسی با روش توصیفی - تحلیلی معرفی و بررسی شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اندیشمندان و دانشوران حوزه علمیه قم در سده اخیر، به‌ویژه بعد از انقلاب اسلامی ایران، پژوهش‌های شایان توجهی را در موضوعات و مباحث علوم قرآن رقم زده‌اند. این آثار را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. تحقیقات اندیشمندان دانش‌های اصول، فقه و کلام در ارتباط با مسائل مرتبط با علوم قرآن؛ ۲. مباحث علوم قرآنی موجود در مقدمه برخی از تفاسیر یا در لابه‌لای مطالب تفسیری آنها، مانند مقدمه تفسیر المیزان و مقدمه تفسیر تسنیم و نیز برخی مطالب درون این دو تفسیر؛ ۳. کتاب‌های مستقل مشتمل بر مباحث اساسی یا مهم علوم قرآن. از این دسته، کتاب‌های قرآن در اسلام، التمهید فی علوم القرآن، قرآن‌شناسی، مدخل التفسیر، تاریخ و علوم قرآن، آراء حول القرآن و القرآن الکریم و روایات المدرستین را باید یاد کرد؛ ۴. تک‌نگاری‌های خاص یا موضوعی در زمینه علوم قرآن. کتاب‌های المفسرون حیاتهم و منهجهم، روش‌شناسی تفسیر قرآن، مکاتب تفسیری، تاریخ تفسیر قرآن، آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری را در این دسته می‌توان قرار داد.

**کلیدواژه‌ها:** کتاب‌های مستقل علوم قرآن، تک‌نگاری‌های علوم قرآن، مکاتب تفسیری، جریان‌های تفسیری، موضوعات علوم قرآن، آثار اثرگذار علوم قرآنی، حوزه علمیه قم، سده چهاردهم.

علوم قرآن در اصطلاح عامش شامل تمام علوم است که به‌گونه‌ای با قرآن ارتباط دارند؛ چه علمی که در خدمت قرآن باشند و برای شناخت کیفیت خواندن و فهم آن به‌کار آیند، مانند علم نحو، چه علمی که از قرآن به‌دست آیند، مثل انسان‌شناسی قرآنی، و چه مباحثی که درباره قرآن شریف باشند، مانند مبحث اعجاز قرآن (ر.ک: باقری، ۱۳۹۹، ص ۲۵-۲۷). طبق این اصطلاح، تفسیر هم بخشی از علوم قرآن است؛ ولی این اصطلاح مربوط به قرون گذشته خیلی دور است و اکنون کاربردی ندارد.

اما «علوم قرآن» در اصطلاح خاص، نام دانشی است که موضوع آن قرآن کریم است و این کتاب الهی را از جهات مختلف، همچون کیفیت نزول، قرائت، پیوند با حوادث عصر نزول، احکام و تشابه، اعجاز و جهات دیگرش بررسی می‌کند (همان، ص ۲۷). برخی پژوهشگران نیز در تعریف این دانش نوشته‌اند: «علوم قرآن علمی هستند که درباره حالات و عوارض ذاتی و اختصاصی قرآن کریم بحث می‌کند و موضوع تمامی آنها قرآن است» (صالحی کرمانی، ۱۳۶۹ش، ص ۱۸، برای توضیح آن ر.ک: باقری، ۱۳۹۹ش، ص ۲۹). طبق این اصطلاح، علوم قرآن شامل تفسیر نمی‌شود؛ بلکه مقدمه تفسیر است. مراد ما از علوم قرآن در این مقاله، همین اصطلاح خاص آن است.

بر دانش علوم قرآن فواید بسیاری مترتب است که ضرورت پرداختن به آن را روشن می‌کند. اثبات الهی بودن قرآن کریم، اصالت متن موجود قرآن، شناخت ساخت و بافت قرآن، و توانایی دفاع از ساحت آن، از جمله مهم‌ترین آنهاست. این دانش نقشی کلیدی در تفسیر قرآن دارد؛ زیرا مباحث مهمی درباره تفسیر قرآن، از جمله مبانی و روش تفسیر، در این دانش بررسی می‌شود (ر.ک: باقری، همان، ص ۸۰-۸۴).

از آنجاکه قرآن نخستین منبع تعالیم و معارف دین اسلام است، از آغاز طلوع اسلام تا کنون در کانون توجه و موضوع بحث و بررسی دانشمندان اسلامی بوده است. حوزه‌های علمیه شیعه بر همین اساس در دوره‌های مختلف، افزون بر پرداختن به مباحث فقهی، کلامی، فلسفی و... به دانش علوم قرآن به‌عنوان مقدمه تفسیر نیز همواره اهتمام ورزیده‌اند. این اهتمام در سده اخیر (۱۳۰۰-۱۳۹۹) از حیات پرشکوه حوزه علمیه قم، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران، به‌وضوح مشهود است.

این مقاله به شیوه مطالعه اسنادی و با روش توصیفی - تحلیلی تلاش‌های دانشوران حوزه علمیه قم در سده اخیر را در زمینه علوم قرآن بازشناسی کرده، با توجه به موقعیت این آثار در جریان کلی دانش علوم قرآن در برهه زمانی یادشده، وجه اثرگذاری آنها را با استناد به دلایل و قرائنی، تا حد ممکن بازنمایی و معرفی می‌کند. به‌دلیل ضیق مجال و محدودیت‌هایی که نگارنده از جهت قالب کار به‌عنوان مقاله با آن روبه‌روست، چاره‌ای جز گزینش و پرداختن به مهم‌ترین این‌گونه آثار ندارد.

معیارهای اثرگذار بودن

اثرگذاری یک اثر یا کتاب علمی در حوزه دانشی مربوط به آن، وجوه گوناگون و نموده‌های متنوعی دارد:

۱. گاه یک اثر به دلیل اشمال بر یک نظریه، روند یک علم را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از باب تشبیه، اگر کسی در دانش اصول طرحی نو دراندازد و آن طرح به قدری قوی باشد که ساختار دانش اصول تحت تأثیر آن تغییر یابد و در پی آن، مباحث اصول در ساختاری نو طرح شود، این بارزترین شاهد بر اثرگذاری آن نظریه است. همین وضع در علوم قرآن نیز کاملاً متصور است؛

۲. گاه وجه تأثیرگذاری یک اثر، مرجع واقع شدن آن و مراجعات علمی یا ارجاعات علمی متعدد به آن است؛

۳. گاه جهت اثرگذاری، مینا قرار گرفتن مطالب و آرای موجود در یک اثر علمی برای آثار علمی دیگر است؛

۴. اگر اثری در بازه‌های قابل توجه از زمان در مراکز علمی متن درسی قرار گیرد، این وضع نیز نشانه اثرگذاری آن است؛

۵. گاه اثرگذاری یک پژوهش به این نحو است که نظریه یا نظریه‌های موجود در آن، در میان متوسطین بهترین نظریه‌ها تلقی می‌شود و افراد متوسط بدون دقت در درستی و نادرستی کلام و نظریه فرد، آن را تکرار می‌کنند؛

۶. اگر اثری از حیث زمانی گوی سبقت از دیگر آثار ر بوده باشد و اولین اثر پژوهشی در یک زمینه باشد، حتی اگر از نظر کیفیت تحقیق هم متوسط باشد، نوعاً پژوهشی تأثیرگذار محسوب می‌شود؛ چراکه باب پژوهش را برای دیگران گشوده است؛

۷. اگر اثری به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شود و انتشار یابد، این هم نشانه اثرگذاری آن است؛

۸. اگر اثری به صورت مکرر در تعداد نسخه‌های قابل توجه تجدید چاپ شود، آن را هم می‌توان از نشانه‌های اثرگذاری آن شمرد؛

۹. اگر درباره اثری همایش‌ها و نشست‌های علمی مختلف و مکرر در جهت بزرگداشت و تجلیل، شناخت ابعاد یا تفسیر و فواید آن برگزار شود، این هم قرینه دیگری بر اهمیت و تأثیرگذاری آن است. آثاری که در این مقاله معرفی می‌شوند، وجوه اثرگذاری‌شان به موارد یادشده برمی‌گردد که در ضمن معرفی آنها بدان اشاره خواهد شد.

### پیشینه پژوهش

در تعدادی از آثاری که به تاریخچه علوم قرآن پرداخته‌اند، برخی از آثار علوم قرآنی سده اخیر حوزه نیز معرفی شده‌اند. از جمله در کتاب *فلسفه و تاریخچه دانش علوم قرآن* (باقری، ۱۳۹۹، ص ۱۵۰-۱۵۳)، آثاری چون *التمهید فی علوم القرآن*، اثر استاد معرفت، و *قرآن‌شناسی*، اثر استاد مصباح، معرفی شده‌اند. همچنین در کتاب *معرفت قرآنی* (نصیری، ۱۳۸۷، ص ۱۸۰-۲۰۲ و ۴۶۱-۴۶۷)، برخی کتاب‌های علوم قرآنی اثرگذار استاد معرفت معرفی شده‌اند؛ ولی هیچ مقاله یا کتابی با هدف معرفی تمام آثار اثرگذار علوم قرآنی سده اخیر یافت نشد. از این رو معرفی این آثار در یک پژوهش مستقل به صورت کامل و جامع، لازم و مفید می‌نماید.

## روش و ساختار پژوهش

این مقاله به شیوه مطالعه اسنادی و روش توصیفی - تحلیلی نگاشته شده و مطالب آن به لحاظ ساختاری در چهار محور سامان یافته است: ۱. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در کتاب‌های اصولی، کلامی و فقهی؛ ۲. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در مقدمه تفاسیر؛ ۳. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در کتاب‌های مستقل علوم قرآنی؛ ۴. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در تک‌نگاری‌های موضوعی علوم قرآنی. در هر مورد کوشیده‌ایم که وجه اثرگذاری آن را با برخی شواهد و قرائن موجود یا در دسترس، یا براساس حدس و تحلیل، اجمالاً روشن کنیم.

### ۱. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در کتب اصولی و فقهی و کلامی

#### ۱-۱. مباحث علوم قرآن در کتاب‌های اصولی

مباحث الفاظ دانش اصول، درحقیقت قواعدی برای فهم متن است و در فهم هر متنی، از جمله آیات و روایات، کاربرد دارد. برای نمونه، قاعده «تقیید مطلق با مقید» در فهم مطلقات و مقیدات قرآن و روایات، چه در مباحث فقهی و چه در مباحث غیرفقهی کارایی دارد. در کتاب‌های اصول فقه، به صورت خاص در مواردی به موضوعات علوم قرآنی پرداخته شده است. در میان کتب اصولی متعلق به حوزه علمی قم در سده اخیر، برخی اثرگذار به شمار می‌آیند.

آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، که حوزه علمی قم به دست او بازتأسیس شد، در کتاب اصولی خود، «تخصیص کتاب به خبر واحد» (حائری یزدی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۲۸-۲۲۹) و «حجیت ظواهر قرآن» را بررسی کرده است (همان، ص ۳۶۳-۳۶۸). همچنین آیت‌الله سیدحسین بروجردی در کتاب اصولی‌اش به «حجیت ظواهر قرآن» (بروجردی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۷۶-۴۸۲) و «شبهه تحریف قرآن» پرداخته است (همان، ص ۴۸۲-۴۸۶). امام خمینی رحمته سخن اخباریان در باب عدم حجیت ظواهر قرآن را بیان و نقد کرده است (موسوی خمینی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۴۱۷-۴۱۸). آیت‌الله مکارم شیرازی امکان وقوع مشترک لفظی در قرآن را مدلل (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۴۸-۱۴۹) و مراد از معانی بطنی قرآن را بیان نموده است (همان، ص ۱۵۱-۱۵۴). آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی نیز مراد از «بطن قرآن» را بازگشوده است (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۱ش، ج ۲، ص ۳۳۸-۳۴۷).

این اثرگذاری، از قبیل مبنا قرار گرفتن آرای موجود در یک اثر برای آثار دیگر است. تحقیقات دانشمندان اصول فقه در زمینه‌های مرتبط با علوم قرآن، نوعاً یکی از منابع مهم دانش علوم قرآن است و قواعد تفسیر قرآن که در روش‌شناسی تفسیر قرآن مطرح می‌شود، در موارد بسیاری، علاوه بر پژوهش‌های مفسران و دانشمندان علوم قرآن، مبتنی بر تحقیقات دانشمندان علم اصول در مباحث الفاظ است.

بخش مهمی از قواعد تفسیر قرآن که یکی از مباحث مهم دانش علوم قرآن به شمار می‌رود، مبتنی بر تحقیقات دانشمندان علم اصول است. همچنین برخی از این نوع مباحث در تعیین و تنقیح تعدادی از مبانی تفسیر قرآن نقش

مهمی ایفا می‌کنند. از آنجاکه این بحث‌ها در آثار فقهای معاصر با شأن مرجعیت مطرح شده‌اند، در زدودن شبهه اعتقاد شیعه به تحریف قرآن و بازنمایی جایگاه قرآن در میان شیعه، اثرگذاری دارند.

### ۱-۲. مبحث قرائت قرآن در کتاب‌های فقهی

یکی از مباحث دانش علوم قرآن، بحث قرائت قرآن است که در دانش فقه هم بدان پرداخته می‌شود. فقهای عظام به تناسب بحث درباره قرائت نماز، که از واجبات نماز است، کم‌وبیش در باب تواتر قرائت و برخی جوانب دیگر قرائت قرآن سخن گفته‌اند. برای نمونه، در سده اخیر آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری، آیت‌الله بنی‌فضل و آیت‌الله اشتهاردی در مبحث قرائت نماز به برخی مباحث مرتبط با قرائت قرآن پرداخته‌اند (حائری یزدی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۰۳-۲۰۶؛ بنی‌فضل، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۵۵-۴۶۲؛ اشتهاردی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۵، ص ۱۸۵-۲۰۱). با توجه به دقت‌سنجی‌های فقیهانه، این‌گونه آثار نوعاً یکی از منابع مهم در مبحث قرائت قرآن و به صورت غیرمستقیم در مبحث خاص قرائت در علوم قرآن، اثرگذارند.

### ۱-۳. مباحث علوم قرآن در آثار کلامی

در کتاب‌های کلامی، دیدگاه متکلمان درباره قرآن شریف بیان می‌شود که بخشی از آن جزء مباحث دانش علوم قرآن نیز شمرده می‌شود. از آنجاکه قرآن معجزه پیامبر اسلام ﷺ است، در مبحث نبوت خاصه به تفصیل درباره وجوه اعجاز قرآن سخن گفته می‌شود. برخی مباحث زبان‌شناختی در باب قرآن، تحریف‌ناپذیری قرآن، کیفیت نزول قرآن، حقیقت و انواع وحی، و جمع قرآن، در کتاب‌های کلامی بررسی شده است (برای نمونه ر. ک: شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق، ص ۸۹-۸۱؛ طوسی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۶۸-۲۶۳ و ص ۲۶۹-۲۹۳).

آیت‌الله جعفر سبحانی در *الالهیات علی هندی الکتاب و السنه و العقل*، وحی و اقسام آن را بیان کرده و به بررسی دیدگاه‌های مختلف درباره حقیقت وحی پرداخته است و به تفصیل در باب اعجاز قرآن سخن گفته و ابعاد مختلف اعجاز آن را بررسی کرده است؛ از جمله «ویژگی‌های بیانی قرآن» را بازگشوده و «انتقان قوانین قرآن» را با ذکر نمونه‌های متنوع روشن ساخته است؛ همچنین به بررسی خبرهای غیبی قرآن پرداخته و نیز دیدگاه صرفه در اعجاز قرآن را بیان و به تفصیل نقد و بررسی کرده است (جعفر سبحانی، ۱۴۲۶ق، ج ۳، ص ۶۷-۱۱۴، ۱۲۳-۱۲۵، ۲۳۰-۴۳۷). این اثر نیز به جهت اینکه کتاب درسی طلاب علوم دینی در مقاطع سطح دو و سه تحصیلی حوزه قرار گرفته است، در همان بخش مرتبط با علوم قرآن اثرگذار محسوب می‌شود.

استاد شهید مرتضی مطهری در مباحث مربوط به نبوت، به بررسی «ارزش اعجاز و کاربرد آن از نظر قرآن»، «جنبه‌های اعجاز قرآن» از نظر الفاظ و معانی قرآن، فصاحت و بلاغت قرآن، اعجاز قرآن از جنبه «علمی و فکری»، «آهنگ‌پذیری قرآن»، برخی جوانب مرتبط با زبان قرآن، از جمله «سبک بیان» و «تشبیهات قرآن»، و نیز «اعجاز قرآن از نظر بیان توحید و معارف ربوبی» پرداخته است (مطهری، ۱۳۷۲ش، ج ۲، ص ۱۹۵-۲۲۵؛ همان، ج ۴،

ص ۴۵۴-۴۵۵؛ ۴۶۹-۴۷۵، ۴۹۷-۴۹۹). آثار استاد مطهری به دلیل غنای محتوایی و بیان ساده و روان، از آثار تأثیرگذار در میان افشار مختلف، از جمله دانشجویان و طلاب علوم دینی است. استاد بخشی از مباحث یادشده در کتاب *وحی و نبوت* را «در جلسات بحث و انتقاد انجمن اسلامی پزشکان» (همان، ج ۴، ص ۷) ایراد کرده است که اصل آن هم قرینه‌ای بر تأثیرگذاری آن مباحث به دلیل استقبال آن از سوی قشر فرهیخته‌ای از جامعه است.

## ۲. مباحث علوم قرآنی اثرگذار مندرج در مقدمه و متون تفاسیر

بعضی مفسران پیش از آغاز تفسیر آیات قرآن، برخی از مهم‌ترین مباحث علوم قرآن را در مقدمه تفسیر خویش آورده‌اند (برای نمونه، ر.ک: طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳-۲۱؛ طبرسی، ۱۳۶۵ش، ج ۱، ص ۷۷-۸۶). همچنین از آنجاکه خاستگاه تعدادی از مباحث علوم قرآن، مانند نسخ، محکم و متشابه، و اعجاز، خود قرآن است و در قرآن شریف آیاتی درباره آنها وجود دارد، مفسران قرآن به مناسبت تفسیر آن آیات، کم‌وبیش به بحث درباره مباحث یادشده پرداخته‌اند. در سده اخیر، هم در مقدمات و هم در متون تفاسیر به برخی مباحث علوم قرآن پرداخته شده است که تأثیرگذار بوده‌اند. در ادامه به تعدادی از مهم‌ترین آثار تأثیرگذار از این دست اشاره می‌شود.

۱. علامه طباطبائی در مقدمه *تفسیر المیزان* در مقام تعریف تفسیر، به اختصار به تاریخ تفسیر نیز پرداخته و ویژگی‌های تفسیر در عصر صحابه و تابعان را بیان کرده است؛ همچنین عوامل اختلاف روش‌های مفسران در تفسیر قرآن را به بحث گذاشته و روش محدثان، متکلمان، فلاسفه و متصوفه در تفسیر آیات قرآن و «روش تفسیر علمی قرآن» را نقد و بررسی کرده است. وی همچنین روش تفسیر معصومان علیهم‌السلام در تفسیر را شناسانده و سبب اختلاف مفسران در تفسیر قرآن را ریشه‌یابی کرده و به بررسی وجوه دخالت بحث‌های پیشین نظری در فهم حقایق قرآن پرداخته است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴-۱۲).

این مقدمه کوتاه مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ به گونه‌ای که برخی به شرح آن همت گماشته‌اند (لسانی فشارکی، ۱۳۶۰) تعریف علامه در مقدمه یادشده، یکی از تعاریفی است که محققان بدان اهتمام ورزیده‌اند (برای نمونه، ر.ک: بابایی و دیگران، ۱۳۸۱الف، ص ۱۸؛ محمود رجبی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۱-۱۲) و برخی آن را کامل‌ترین تعریف دانسته‌اند که تمام مراحل تفسیر را دربرمی‌گیرد (باقری، ۱۳۹۹).

۲. علامه طباطبائی در *مطالوی تفسیر المیزان* به مباحث متعددی از علوم قرآن پرداخته است که برخی از آنها مورد توجه بلیغ در آثار پژوهشگران علوم قرآن قرار گرفته‌اند (برای نمونه، ر.ک: ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۷۲، ۱۵۱، ۱۵۵، ۲۷۰، ۲۸۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۸ش، ج ۱، ص ۴۰، ۴۴، ۴۵، ۵۲، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۲۳) و این نشان از تأثیرگذاری این مباحث دارد. برخی از این مباحث عبارت‌اند از: الف) «اعجاز قرآن» ذیل آیه ۲۳ بقره (همان، ص ۵۸-۷۳؛ ب) «نسخ در قرآن» ذیل آیه ۱۰۶ بقره (همان، ص ۲۵۰-۲۵۳؛ ج) «محکم و متشابه»، «تأویل» و «بطن قرآن» ذیل آیه ۷ آل عمران (همان، ج ۳، ص ۱۹-۲۹؛ د) «تفسیر قرآن» شامل «تفسیر به رأی»، «حدیث ضرب القرآن بالقرآن»، «فهم‌پذیری قرآن»، «نقش معصومان علیهم‌السلام در فهم و تفسیر قرآن» و «تفسیر

قرآن به قرآن» ذیل آیه ۷ آل‌عمران (همان، ص ۷۵-۸۷)؛ هـ) «مصونیت قرآن از تحریف» ذیل آیه ۹ سوره حجر، که مشتمل بر هفت فصل است.

این مباحث به قدری اهمیت یافته‌اند که برخی درصدد استخراج آنها از *المیزان* و ارائه مستقل آن برآمده‌اند (از جمله: الهی، ۱۳۸۹؛ ملکیان، ۱۳۸۸)؛ چنان‌که گروهی از پژوهشگران که به گردآوری مباحث علوم قرآنی مندرج در مقدمات تفاسیر پرداخته‌اند، از متن *تفسیر المیزان* تنها مباحث علوم قرآن را استخراج کرده و در کتابی مرجع گرد آورده‌اند (ر. ک: مرکز الثقافه و المعارف القرآنیة، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۶).

۳. آیت‌الله جوادی آملی در مقدمه *تفسیر تسنیم* تحت عنوان «پیشگفتار مفسر»، در ده فصل برخی مباحث علوم قرآن را به دلیل ارتباط وثیق آنها با تفسیر قرآن، مطرح و بررسی کرده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۳۱-۲۵۴). به نظر می‌رسد که این بخش از *تسنیم* را می‌توان از مباحث اثرگذار علوم قرآن دانست که در ذیل عناوین آنها را برمی‌شماریم:

۱. «زبان قرآن کریم»، که نویسنده ویژگی «جهانی بودن زبان قرآن» را تحت عنوان «زبان جهانی فطرت» بازگشوده است؛

۲. «ویژگی‌های تفسیر قرآن»، که در آن «امکان و ضرورت تفسیر قرآن» اثبات و به «منابع تفسیر قرآن» اشاره شده است و بر این اساس، از سه گونه تفسیر با عناوین تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنت و تفسیر قرآن به عقل یاد شده است؛

۳. «تفسیر قرآن به قرآن»؛ در این فصل، «حجیت تفسیر قرآن به قرآن» اثبات و «استقلال قرآن در حجیت و تبیین معارف» تبیین شده است. همچنین «منهج تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام» بیان و «شبهات استقلال قرآن در حجیت و تفهیم» بررسی و «حجیت و اعتبار سنت و سیرت معصومین علیهم‌السلام» اثبات گردیده است؛ سپس انحاء گوناگون تفسیر قرآن به قرآن بیان و همسویی «همه معارف قرآنی در همه مراحل باطنی» بررسی شده است؛

۴. «تفسیر قرآن به سنت»؛ در این فصل، نسبت «تفسیر قرآن به سنت» با «تفسیر قرآن به قرآن» و «ویژگی‌های سنت قطعی» و پیوستگی قرآن و عترت و «مراحل» فهم معارف دین بیان شده است؛

۵. «تفسیر قرآن به عقل»، که شرایط معلومات و دریافت‌های عقلی را به‌عنوان منبع تفسیر بررسی کرده است؛

۶. «تفسیر به رأی»؛ در این فصل، مفهوم و «صورت‌های ممنوع تفسیر به رأی» و نظر برخی مفسران درباره آن، بیان و نیاز تفسیر متن دینی به معرفت خارج از دین بررسی شده است. تعریف دین، «معیار "دینی بودن"» یک مطلب، امکان «تفسیر ثابت» از قرآن «با داشتن پیش‌فهم‌ها و پیش‌فرض‌ها»، «ویژگی تفسیر متون مقدس» و «تأثیر "انتظار از متن" در تفسیر آن»، دیگر مباحث این فصل است.

۷. «جایگاه آرای مفسران و شأن نزول در تفسیر»، که در آن، بیانات وارده در شأن و سبب نزول آیات قرآن به سه دسته تقسیم و نقش هر کدام در تفسیر بررسی شده است.

۸. «شأن نزول، فضای نزول و جوّ نزول قرآن»، که در آن به بیان تفاوت‌های این سه اصطلاح و نقش هر یک از آنها در تفسیر پرداخته شده است.

۹. «شبهات نوظهور و فهم قرآن»، که به بررسی نقش زمینه‌سازی «سؤالات و شبهات نوپدید» در دریافت معرفت دینی اختصاص دارد؛

۱۰. «اوصاف قرآن در نگاه اهل بیت (ع)»، که به بیان سیزده وصف برای قرآن در کلام اهل بیت (ع) می‌پردازد. علاوه بر اینها، آیت‌الله جوادی آملی در متن *تفسیر تسنیم* ذیل آیات متناسب، به برخی مباحث اساسی علوم قرآن پرداخته است که به سه مورد اجمالاً اشاره می‌شود:

۱۱. در تفسیر آیه ۲۳ بقره با عنوان «تحدی و اعجاز قرآن»، برخی از جوانب مبحث اعجاز قرآن را بررسی کرده است (همان، ج ۲، ص ۴۲۱-۴۴۳)؛

۱۲. در تفسیر آیه ۱۰۶ بقره جوانب متعدد مرتبط با مبحث «نسخ در قرآن» را به تفصیل بررسی کرده است (همان، ج ۶، ص ۱۰۹-۸۶)؛

۱۳. در تفسیر آیه ۷ سوره آل عمران مباحث متعدد مربوط به «محکم و متشابه» و «تأویل قرآن» را به تفصیل بررسی کرده است (همان، ج ۱۳، ص ۱۰۶-۱۹۹).

مباحثی که در *تفسیر تسنیم* آمده، حاصل تدریس ایشان در جمع تعداد زیادی از فضایی سخت‌کوش حوزه بوده و مورد مذاقه‌های جدی قرار گرفته است؛ لذا به‌نوبه خود درخور توجه شایان است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۵، ۲۶).

علاوه بر اتقان، ویژگی دیگر مباحث علوم قرآنی استاد جوادی آملی، پرداختن به مسائل نوپدید و روزآمدسازی این‌گونه مباحث است. ارجاع بسیار به آثار استاد و پژوهش درباره دیدگاه‌ها و نظرات علوم قرآنی ایشان در قالب مقالات و پایان‌نامه‌های تحصیلی متعدد، از جمله شواهد تأثیرگذاری آنها در حوزه تفسیر و علوم قرآن است (برای نمونه، رک: حکیمی رکن‌آبادی، ۱۳۹۳ش؛ مقدس و کارخانه، ۱۴۰۰ش؛ مروتی و پورمحمدی، ۱۴۰۰ش؛ داوری و آقایی، ۱۳۹۴).

۴. آیت‌الله محمدهادی معرفت نیز در مقدمه *التفسیر الاتری الجامع* به برخی مباحث علوم قرآن پرداخته است. تاریخ قرآن، اسامی قرآن، حجیت ظواهر قرآن و صیانت قرآن از تحریف، از جمله این مباحث است (معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۱۳-۱۸۰). بیشتر مباحثی که در مقدمه کتاب یادشده آمده، در *التمهید فی علوم القرآن* وی به صورت گسترده بحث شده است که هنگام معرفی کتاب‌های مستقل، به تفصیل به آن خواهیم پرداخت. استاد معرفت ذیل عنوان «التفسیر و التأویل (الظهر و البطن)» مباحث متنوعی در باب تأویل قرآن ذکر کرده است که انواع تأویل آیات و ضابطه تشخیص تأویل‌های صحیح، از مهم‌ترین آنهاست (همان، ج ۱، ص ۲۹-۵۵). این موضوع در زمان حیات ایشان و پس از انتشار مجلد نخست تفسیر اثری، در نشست‌های سوی پژوهشگاه فرهنگ



و اندیشه اسلامی نقد و بررسی شد (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹) که نشان دهنده تأثیرگذاری آن در مجامع علمی است.

### ۳. کتابهای مستقل علوم قرآنی اثرگذار

از سده نخست تا به امروز، کتابهای بسیاری در زمینه بررسی مباحث علوم قرآن به منصفه ظهور رسیده است. بیشتر این آثار بخشی از مباحث مهم علوم قرآن و برخی از آنها همه مباحث را دربردارند. در سده اخیر نیز کتابهای مستقلی در حوزه در زمینه علوم قرآنی توسط علما و فضلاء حوزه علمیة قم تألیف شده است که به معرفی آنها می پردازیم. این کتابها دو گونه اند: برخی از پژوهشگران درصدد برآمده اند که مباحث متنوعی از علوم قرآن را بررسی کنند؛ اما برخی دیگر کوشیده اند مباحث مهم علوم قرآن را به بحث بگذارند.

#### ۳-۱. قرآن در اسلام

این کتاب به خامه علامه سیدمحمدحسین طباطبائی در پنج بخش تنظیم شده و طی آن مباحث مختلفی از علوم قرآن را به اجمال مورد بررسی قرار گرفته است؛ از جمله: جاودانگی و جامعیت قرآن؛ استقلال دلالتی قرآن؛ روش تفسیر قرآن؛ وحی و نزول قرآن؛ جمع و تدوین قرآن؛ قرائات؛ باطن و تأویل قرآن؛ تاریخ تفسیر؛ خط و اعراب قرآن؛ اسامی سوره های قرآن؛ اسباب نزول قرآن؛ و تحریف ناپذیری قرآن.

همان گونه که قبلاً متذکر شدیم، مباحث علوم قرآنی مطرح شده توسط علامه طباطبائی، از جمله این اثر، معمولاً مشتمل بر نکات بدیع و نوآورانه اند و از این جهت مؤثر هستند. علاوه بر این نکته، اثر ذکر شده، در برهه ای که هنوز کتابهای متنوع علوم قرآن در حوزه نگارش نیافته بود و دانش علوم قرآن و تفسیر هنوز در گستره فعلی مورد توجه نبود، در برخی مراکز علمی به عنوان کتاب درسی تدریس می شد و بنابراین در شمار آثار اثرگذار است.

#### ۳-۲. التمهید فی علوم القرآن

این کتاب حاصل تحقیقات و مطالعات طولانی آیت الله محمدهادی معرفت است که ابتدا در شش جلد منتشر شد (ناشر: مرکز مدیریت حوزه علمیة قم و سپس مرکز انتشارات جامعه مدرسین)؛ ولی اندکی پیش از درگذشت مؤلف، با اعمال جدیدترین نظرات ایشان و افزودن برخی مطالب و نیز الحاق کتابهای *صیانة القرآن عن التحریف و شبهات و ردود* و کتاب *دولجلی التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب*، که قبلاً همگی به صورت مستقل چاپ شده بودند، در ده جلد انتشار یافت. این کتاب خلاً نبود کتاب علوم قرآنی جامع را در شیعه تا حد زیادی پر کرده است. هنگامی که هنوز *التمهید* در قالب شش جلدی منتشر می شد، خود استاد معرفت آن را در دو جلد خلاصه کرد و آن را *تلخیص التمهید* نام نهاد. ایشان در اقدام دیگری *التمهید* شش جلدی و کتاب *صیانة القرآن عن التحریف* را تلخیص و به فارسی بازنویسی کرد که با عنوان *علوم قرآنی* منتشر شده است. این کتاب تفاوت هایی با *التمهید* شش جلدی دارد و در مقایسه با آن، دیدگاه های جدید ایشان را بازتاب می دهد.

استاد همچنین به درخواست سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، کتابی تحت عنوان **تاریخ قرآن** به‌رشتهٔ تحریر درآورد که درواقع محتوای آن برگرفته از دو مجلد نخست **التمهید** همراه با برخی اضافات است.

### ۳-۳. نگاهی به مجلدات ده‌گانهٔ التمهید

استاد معرفت در مقدمهٔ مجلد نخست **التمهید**، پس از بیان مختصر برخی از ویژگی‌های قرآن تحت عنوان «القرآن و اسمائه»، به‌اختصار اسامی قرآن را بررسی کرده است؛ سپس به تعریف علوم‌القرآن پرداخته و در ادامه، تحت عنوان «تاریخ علوم القرآن»، مهم‌ترین نگارش‌های علوم قرآنی را به‌ترتیب تاریخی، به‌اختصار معرفی کرده است.

پس از پایان مقدمه، با تفصیل بیشتر به تعریف علوم‌القرآن و تفاوت آن با معارف قرآن پرداخته و نقش آن را در دستیابی به آموزه‌های قرآن بازگشوده است؛ سپس تحت عنوان «صیاعه القرآن صناعة الوحي»، وحیانی بودن الفاظ قرآن را اثبات کرده و در ادامه به ساختار گفتاری - نه نوشتاری - قرآن پرداخته و ویژگی‌های خطاب‌های قرآنی را بیان کرده و پس از آن به بررسی زبان قرآن پرداخته است. سه موضوع «وحي»، «نزول قرآن» و «تاریخ قرآن»، دیگر مباحث مجلد نخست **التمهید** است.

مجلد دوم **التمهید** مشتمل بر دو بحث «قرائات» و «نسخ» است. ایشان در قرائات، همچون استادشان آیت‌الله خوئی، با استدلال قرائات سبع را متواتر ندانسته، بیشتر آنها را حاصل اجتهاد قاریان می‌داند و در بحث نسخ به جوانب گوناگون آن پرداخته و به شبهات موجود دربارهٔ آن پاسخ گفته است. ایشان در چاپ ده‌جلدی **التمهید**، علاوه بر نسخ مشروط - که قبلاً طرح کرده بود - نوع دیگری به‌اسم «نسخ تمهیدی» نیز بر اقسام نسخ افزوده است.

مجلد سوم **التمهید** درخصوص بحث محکم و متشابه در قرآن است که مؤلف در آن معنای محکم و متشابه، حکمت وجود آیات متشابه، حقیقت تأویل، امکان علم به تأویل قرآن برای غیر خدا، مذاهبی که موجب تشابه عرضی برخی آیات شده‌اند را معرفی می‌کند (همان، ج ۳، ص ۴۲-۷۰) و سپس به تفصیل به بازگشودن معنای صحیح آیات متشابه می‌پردازد و در ادامه، «بدا» را از منظر قرآن و روایات بررسی می‌کند و در پایان، آیاتی را که ظاهر آنها منافی عصمت پیامبران است، تحت عنوان «تنزیه الانبیاء» تفسیر کرده، طهارت دامان پیامبران الهی از گناه و خطا را به‌اثبات می‌رساند.

مجلدات چهارم تا ششم به اعجاز قرآن اختصاص دارند. مؤلف پس از تعریف اعجاز، بیان انواع معجزه‌ها و ویژگی قرآن در این جهت، ضرورت معجزه را بررسی کرده (همان، ج ۴، ص ۲۳-۳۰)، سپس مراحل تحدی قرآن را ذکر می‌کند (همان، ص ۳۱-۳۵) و پس از اشاره به دیدگاه‌های مختلف در وجه اعجاز قرآن (همان، ص ۳۵-۳۷)، به بررسی قول به «صرفه» در اعجاز قرآن می‌پردازد (همان، ص ۱۳۷-۱۷۶). ایشان در جلد پنجم، «اعجاز بیانی» قرآن را در دوازده گفتار و در جلد ششم «اعجاز علمی» و «اعجاز تشریعی» قرآن را بررسی کرده است.

جلد هفتم **التمهید** به بیان و بررسی و نقد و رد شبهاتی اختصاص دارد که از سوی مستشرقان و غیر آنها دربارهٔ

قرآن مطرح شده است. مؤلف در این جلد، مقولاتی مانند ارتباط قرآن و فرهنگ عصر نزول و اثرپذیری قرآن از فرهنگ نزول را نقد کرده و پاسخ گفته‌اند؛ همچنین شبهه اختلاف در قرآن را بررسی و هماهنگی آنها را اثبات کرده‌اند و به ادعای مخالفت قرآن با علم یا وجود خطای تاریخی در قرآن پاسخ گفته و در پایان، شبهات مرتبط با داستان‌های قرآن را بررسی کرده‌اند.

در جلد هشتم **التمهید** با عنوان «صیانة القرآن من التحریف»، با ادله مختلف عقلی و نقلی، مصونیت قرآن از تحریف اثبات شده و مستندات قائلان به تحریف مورد نقد و بررسی قرار گرفته است (این جلد توسط آقای محمد شهرابی ترجمه و تلخیص شده و با تقریظ استاد بر آن، در سال ۱۳۷۶ در قالب کتابی مستقل از سوی مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی انتشار یافته است. همچنین کتاب یادشده توسط حجت‌الاسلام علی نصیری با تأیید و نظارت خود استاد به فارسی ترجمه شد و در سال ۱۳۷۹ از سوی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) با عنوان «تحریف‌ناپذیری قرآن» انتشار یافت).

دو جلد پایانی **التمهید** به بررسی تاریخ تفسیر و شناساندن روش‌ها و گرایش‌های مختلف تفسیری و تفاسیر شیعه و اهل سنت اختصاص یافته است. ساختار بحث استاد در این دو مجلد، همان ساختار کتاب **تفسیر و مفسران** ذهبی است و نوعی پاسخ به او در کم‌توجهی و نادیده گرفتن تفاسیر شیعه و نقش اهل‌بیت علیهم‌السلام در زمینه تفسیر است. موسوعه **التمهید** آیت‌الله معرفت حقیقتاً خلأ نبود نسبتاً جامع علوم قرآنی شیعه را در کتابخانه این دانش جبران کرد. برخی بزرگان معاصر پر کردن خلأهای تحقیقی را شیوه استاد معرفت برشمرده‌اند (همان، ص ۴۸، سخنرانی آیت‌الله سبحانی). واقعیت آن است که دیدگاه‌های استاد معرفت در زمینه مباحث متنوع علوم قرآن در حوزه و دانشگاه به‌جد مطرح است. نگارش پایان‌نامه‌ها و مقالات متعدد در باب نظریه‌های ایشان، که بخشی از آنها در کتاب **معرفت قرآنی** (در پنج جلد، نصیری، ۱۳۸۷) نمود یافته، تدریس برخی کتاب‌های وی در مجامع علمی حوزوی و غیرحوزوی، از جمله تدریس **تلخیص التمهید** در برخی پایه‌های درسی حوزه علمیة قم، همگی نشانگر تأثیرگذاری آثار ایشان است؛ تاجایی که برخی فضلا درباره آن نوشته‌اند: موسوعه **التمهید** «چندان اعتبار علمی در رشته علوم قرآنی یافت که به‌رغم سنت رایج، در زمان حیات مؤلف آن از منابع پرجای گردید» (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۹).

#### ۳-۴. قرآن‌شناسی

این کتاب تقریر بخشی از درس‌گفتارهای تفسیر موضوعی استاد محمدمتقی مصباح یزدی طی چند دوره تدریس در مدرسۀ حقانی و مؤسسه در راه حق است (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۶) که در دو مجلد توسط برخی از محققین نگارش و تدوین شده است. در مجلد نخست طی چهار فصل، «اوصاف و عناوین قرآن»، «نزول قرآن»، «دلایل از سوی خدا بودن قرآن» و «تحریف‌ناپذیری قرآن» با تکیه بر آیات قرآن و در مورد اخیر همچنین از دید روایات بررسی شده‌اند. در مجلد دوم، به بررسی «اهداف قرآن»، «امکان و جواز فهم قرآن»، «شرایط و موانع روحی

و معنوی بهره‌مندی از قرآن»، «شرایط علمی تفسیر قرآن»، «روش تفسیر قرآن»، «محکم و متشابه»، «نسخ»، «تأویل و تفسیر»، «بطن قرآن»، «جهانی بودن و جاودانگی و جامعیت قرآن» با تکیه بر ادله عقلی، نقلی و اصول عقلایی پرداخته شده است.

کتاب اساساً در پی بررسی تمام مباحث علوم قرآن نبوده؛ بلکه درصد شناخت قرآن از خود قرآن به روش تفسیر موضوعی است و لذا به بحث‌های لازم و مرتبط بسنده کرده است.

بررسی جامع و کامل آیات مرتبط به مباحث مطرح‌شده در کتاب و رویکرد نوآورانه و تکرار نکردن آنچه پیشینان گفته‌اند، از ویژگی‌های بارز این اثر ارزشمند است. برخی مباحث این کتاب کاملاً بدیع است؛ برای نمونه، دسته‌بندی و بررسی اوصاف و عناوینی که قرآن خود را با آنها شناسانده و روشن کردن وجه اطلاق هر کدام از آنها بر قرآن شریف (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۹۱-۳۳)، مبحثی کاملاً نو و ابتکاری است. همچنین این کتاب متن درسی مقطع کارشناسی در برخی مراکز علمی، از جمله مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام است.

### ۳-۵. مدخل التفسیر

این کتاب برآمده از درس‌های آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی در باب برخی مباحث علوم قرآن با عنوان «مدخل تفسیر» است (فاضل لنکرانی، ۱۳۹۶ق، ص ۱۳). مؤلف بعد از بیان «حقیقت معجزه» به «اعجاز قرآن» پرداخته و جوانب مختلف آن، از جمله «تحدی»، «وجوه اعجاز قرآن» و «شبهات پیرامون اعجاز قرآن» را به تفصیل بررسی کرده و پاسخ به تحدی قرآن از سوی پیشینیان و پسینیان را مورد نقد و بررسی قرار داده است. وی در مبحث «قاریان و قرائات» به دیدگاه‌های مختلف درباره «تواتر قرائت‌های هفت‌گانه» «اعتبار قرائات» و «جواز قرائت نماز به قرائت‌های مختلف» پرداخته و ذیل عنوان «اصول التفسیر»، حجیت ظواهر قرآن، اعتبار قول معصومین علیهم السلام در تفسیر و قرینیت دریافت‌های عقلی را در تفسیر بررسی کرده است و در بحث «عدم تحریف قرآن»، پس از بیان معنای تحریف و اقسام آن، «دله عدم تحریف قرآن» را به تفصیل بیان نموده و در پایان «شبهات قاتلان به تحریف» را بیان و نقد کرده است.

نگارش مقالات متعدد درباره دیدگاه‌های علوم قرآنی آیت‌الله فاضل در این کتاب، نشان‌دهنده اثرگذار بودن آن در مجامع علمی است (برای نمونه ر. ک: نجارزادگان، ۱۳۹۸؛ جزائری، امینی تهرانی و خادم زاده یگانه، ۱۳۹۸).

### ۳-۶. تاریخ و علوم قرآن

مؤلف اثر، آیت‌الله سیدابوالفضل میرمحمدی زرنندی است. وی تحت عنوان «قرآن و کیفیت نزول آن»، مباحث مربوط به نزول قرآن و تاریخ آن را از حیثیت الفاظ گرفته تا کتابت و قرائت و جمع قرآن، بررسی کرده است؛ سپس به مباحث «اعجاز قرآن»، «ناسخ و منسوخ»، «محکم و متشابه»، «عدم تحریف قرآن» و «مکی و مدنی» پرداخته است. این کتاب که به فارسی نگارش یافته، توسط نویسنده با عنوان «بحوث فی تاریخ القرآن و علومه» به

عربی نیز ترجمه شده است (میرمحمدی زرنندی، ۱۴۲۰ق، ص ۴). اصل نگارش کتاب در سال ۱۳۵۸ شمسی به پایان رسیده است و در نخستین دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی که هنوز آثار علوم قرآنی چندان گسترش نداشت، این اثر در برخی مراکز به عنوان کتاب درسی استفاده می شد و در مقاطعی منبع امتحان ورودی مقطع دکتری در برخی از دانشگاهها بود. همچنین نویسنده که سالها رئیس دانشکده الهیات دانشگاه تهران بوده، مطالب کتاب را در کلاسهای درس آن دانشکده تدریس و بحث کرده است. مرحوم آیت الله معرفت کتاب *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه* را از جمله «آثار برجسته عصر اخیر» برشمرده است (معرفت، ۱۳۸۲، ص ۳). این اوصاف و وضعیت را می توان دال بر اثرگذاری این کتاب دانست.

### ۳-۷. آراء حول القرآن

این کتاب به خامه آیت الله سیدعلی علامه فانی در هشت امر سامان یافته و نویسنده در هر بحث دیدگاههای مختلف را مورد توجه قرار داده و با بررسی های موشکافانه به بیان و اثبات نظر خود پرداخته است. نویسنده به ترتیب «حجیت ظواهر قرآن»، «هدف نزول قرآن و لزوم تدبیر در آن و اقتضائاتش»، «تفسیر قرآن و تفاوت آن با تأویل»، «مراحل تفسیر و علوم مورد نیاز برای تفسیر»، «قرائات قرآن و جوانب متعدد مربوط به آن»، «بحث تحریف و تغییر در قرآن»، «امکان تخصیص قرآن با خبر واحد»، «امکان نسخ قرآن با خبر واحد»، و بالاخره «کیفیت نزول قرآن» را بیان و بررسی کرده است.

مرحوم فانی از اساتید آیت الله معرفت بود و استاد معرفت در معرفی ایشان می گوید: آقای فانی محقق ژرف نگر و توانمند بود و در تربیت علمی شاگردان سعی فراوان داشت. علاوه بر جلسات روزانه، روزهای پنجشنبه و جمعه... از اول صبح تا ظهر خدمت ایشان حضور یافته و به گفتگو و بحث پیرامون مسائل می پرداختیم. از این جلسات مایه های علمی فراوانی به دست آوردیم (نصیری، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۷۶). این قضاوت، علمیت بالا و اجتهادی بودن نفس این اثر، قابلیت و مایه های اثرگذاری را به خوبی نشان می دهد.

### ۳-۸. القرآن الکریم و روایات المدرستین

استاد مرتضی عسکری این کتاب را در سه مجلد و به انگیزه رفع شبهات از شیعه درباره قرآن و نیز پاسخ به شبهات مستشرقان در باب نص قرآنی به رشته تحریر درآورده است (عسکری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۹-۱۰). در این اثر، کتاب *فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب*، نوشته محدث نوری، و کتاب *النشیئة و القرآن الکریم*، به قلم احسان الهی ظهیر، به تفصیل نقد شده است (همان، ص ۱۱).

روایاتی که در این کتاب بررسی شده، عبارتند از: ۱. روایات جمع قرآن؛ ۲. روایات زیاده و نقصان در قرآن؛ ۳. روایات نسخ و انسا در قرآن؛ ۴. روایات اختلاف مصاحف؛ ۵. روایات اختلاف قرائت های قرآن یا قرائت های قرآن؛ ۶. روایات نزول قرآن بر هفت حرف (همان، ص ۱۱).

نویسنده در مجلد نخست در سه بحث مقدماتی، به ویژگی‌های جامعه عرب جاهلی عصر نزول قرآن اشاره می‌کند؛ سپس به تاریخ قرآن در عصر نزول در مکه و مدینه و در نهایت به معنای اصطلاحات وحی و نزول، قرآن، کتاب و مصحف، سوره و آیه، تلاوت و قرائت، جامع و حافظ، و نسخ و امثال آن می‌پردازد و در مجلد دوم کتاب به بررسی روایات مکتب خلفا درباره قرآن وارد می‌شود (همان، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۹). در شش بحث نخست، روایات مختلف از روایات دال بر وقوع تحریف در قرآن تا روایات نزول قرآن بر هفت حرف، قرائت‌های بر ساخته و قاریان آنها، و نسخ و انسا در قرآن را بررسی کرده است. وی سپس ویژگی‌های جامعه اسلامی را در خلافت/ابوبکر و عمر، عثمان، علی بن ابی طالب علیه السلام، و در عصر خلافت بنی امیه و بنی عباس را بررسی کرده است؛ و در بحث هشتم، دیدگاه مستشرقان درباره قرآن و کتاب **فصل الخطاب** محدث نوری را مورد بررسی قرار داده است (همان، ص ۱۵).

ایشان مجلد سوم را به بررسی روایاتی که در مکتب اهل بیت علیهم السلام درباره قرآن نقل شده‌اند، اختصاص داده است (همان، ص ۹). از آنجا که احسان الهی ظهیر روایات مکتب اهل بیت علیهم السلام درباره قرآن را از کتاب **فصل الخطاب** محدث نوری نقل کرده و طبق آنها تحریف قرآن را به شیعه نسبت داده، این مجلد در نقد کتاب احسان الهی ظهیر است (همان، ص ۱۳، ۱۴).

آثار مرحوم علامه عسکری، از جمله کتاب یادشده، تأثیر فراوانی در تحکیم مبانی شیعه و رفع شبهه‌ها و اتهام‌زدایی از شیعه داشته است. تأثیر کتاب‌های ایشان بر افکار مخالفان شیعه در آفریقا و شرق آسیا، از جمله در زمینه قرآن، معروف است. آیت‌الله رضا استاد با بیان اینکه در نوع کتاب‌های تألیف‌شده در زمینه رد اتهام تحریف به شیعه، بیشتر این اتهام را به صورت کلی پاسخ داده‌اند، نوشته‌اند که کتاب **القرآن الکریم و روایات المدرستین** تنها کتاب معرفی است که روایات مزبور را به صورت جزئی و تک‌به‌تک بررسی کرده است و «این خصوصیت، باعث شده که این کتاب گران‌قدر، بر دیگر کتاب‌ها و رساله‌ها برتری پیدا کند» (استادی، ۱۳۸۳، ص ۲۸).

#### ۴. تک‌نگاری‌های خاص یا موضوعی علوم قرآنی اثرگذار

در سده اخیر و عمدتاً پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، کتاب‌های بسیاری در باب یک مبحث خاص از مباحث علوم قرآن نگارش یافته است که در این محور برخی از مهم‌ترین آنها معرفی می‌شود.

##### ۴-۱. المفسرون حیاتهم و منهجهم

سید محمدعلی ایازی در این کتاب بیش از صد تفسیر قرآن را به ترتیب حروف الفبا معرفی کرده است. ایشان در ابتدای کتاب، به تعریف مصطلحات متعدد مرتبط با روش‌های تفسیری، انواع تفسیر، گرایش‌های تفسیری و... می‌پردازد. وی در معرفی هر تفسیر، پس از ذکر مشخصات شناسنامه‌ای مؤلف آن و اشاره‌ای مختصر به زندگی وی، «مهم‌ترین آثار و تألیف‌های» او را ذکر می‌کند؛ سپس تفسیر مورد نظر را به صورت کلی معرفی و بعد «روش مفسر» را در آن تفسیر بیان کرده، بررسی‌های صورت گرفته در خصوص تفسیر مورد بحث را ذکر می‌کند.

این کتاب در زمینه معرفی تفاسیر و آثار مفسران نسبت به کتاب‌های دیگر به صورت تفصیلی تر عمل کرده و منبعی قابل اعتماد برای شناخت تفاسیر است. آیت‌الله معرفت در مقدمه‌ای بر کتاب، آن را ستوده و نوشته است: «مما یعجبنی من کتابه هذا هو شموله و احتواؤه علی خصوصیات من مؤلفین و مؤلفاتهم ما يجعل المراجع علی بصیرة تامة من الکتب و مؤلفیها فی ساحة التفسیر، و یبین منهج المؤلف و مذهبه و أسلوبه المتخذ فی تفسیره و ما إلى ذلك من خصوصیات تفید المراجع فائدة کبیرة فی الرجوع الی مثل تلك التفسیر» (ایازی، ۱۳۶۳، ص ۱۴). این تمجید را می‌توان نشان اثرگذار بودن آن شمرد.

## ۲-۴. روش‌شناسی تفسیر قرآن

کتاب توسط سه تن از قرآن‌پژوهان معاصر، علی‌اکبر بابایی، غلامعلی عزیزی‌کیا و مجتبی روحانی‌راد، زیر نظر استاد محمود رجبی در پنج فصل به سامان رسیده است. در فصل نخست، دو اصطلاح «تفسیر» و «تأویل» تعریف و تفاوت آن دو بررسی شده و در زمینه «علل نیازمندی به تفسیر» و «امکان و جواز تفسیر» سخن رفته است.

فصل دوم به «قواعد تفسیر» اختصاص یافته و هفت قاعده مورد نیاز در هنگام تفسیر آیات بیان و بررسی شده است. فصل سوم به «منابع تفسیر» پرداخته و منبعیت قرآن، روایات معصومان علیهم‌السلام، منابع لغوی، منابع تاریخی، عقل و دستاوردهای تجربی را در تفسیر بررسی کرده است. در فصل چهارم به بحث درباره «علوم مورد نیاز مفسران» و دلایل نیازمندی به این علوم پرداخته شده و فصل پنجم به «شرایط مفسر» اختصاص یافته است.

این کتاب یکی از کتاب‌های نظام‌مند در زمینه روش‌شناسی تفسیر قرآن است و علاوه بر اینکه از منابع مبحث روش تفسیر قرآن در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری است، در برخی مراکز علمی از منابع آزمون ورودی به مقطع ارشد نیز می‌باشد.

کتاب به دلیل اهمیت و اتقان مطالبش با «تحریری نوین به همراه تهذیب، تصحیح و تکمیل»، با عنوان **روش تفسیر قرآن** در قالب متن درسی برای دانشجویان رشته‌های علوم قرآنی و حدیث در مقاطع کارشناسی بازنویسی شده است (همان، ص ۴) و در برخی مراکز علمی در مقطع کارشناسی و گاهی در مقطع ارشد تدریس می‌شود.

برخی از دانشوران این کتاب را «مناسب‌ترین» اثر در بررسی اصول تفسیر دانسته (جواهری، ۱۳۸۸، ص ۷۷) و برخی نیز از آن به عنوان یکی از آثار قابل توجه امامیه در باب قواعد تفسیر یاد کرده‌اند (فاکر میبیدی، ۱۳۸۵، ص ۴۷). این شأن و شرایط و توصیفات، دال بر اثرگذاری این کتاب در مراکز عالی آموزشی و پژوهشی است.

البته استاد علی‌اکبر بابایی، مؤلف فصل دوم کتاب **روش‌شناسی تفسیر قرآن**، با تکمیل و تنقیح مطالب این فصل، آن را در قالب کتابی جدید با عنوان **قواعد تفسیر قرآن** در سالیان اخیر منتشر کرده است. ایشان با التفات به وجود برخی کاستی‌ها و خلأها در مطالب آن، بار دیگر محتوای آن فصل را با تأمل و دقت بازنگری کرده و با تکثیر قواعد و تفریع قواعدی جدید از قواعد کلی بیان شده در هر فصل، تقویت برخی استدلال‌ها و بیان مثال‌هایی جدید از تفسیر آیات، در رفع نقایص و تکمیل آن کوشیده است (همان، ص ۴).

## ۴-۳. مکاتب تفسیری

این کتاب تا کنون در سه مجلد توسط علی‌اکبر بابایی و با همکاری سیدیحیی میرجعفری، محسن سبزواری و غلامعلی عزیزی‌کیا سامان یافته است. جلد اول دو بخش دارد: بخش اول شامل مفهوم‌شناسی، دسته‌بندی مفسران و تفاسیر، جایگاه اهل‌بیت<sup>علیهم‌السلام</sup> در تفسیر قرآن و کتاب‌های تفسیری منسوب به ایشان، مکتب تفسیری معصومان<sup>علیهم‌السلام</sup> و مکتب تفسیری مفسران صحابه و مفسران تابعی است. بخش دوم به بررسی «مکتب روایی محض» اختصاص دارد. در جلد دوم به ترتیب «مکتب و تفسیرهای باطنی محض»، «مکتب اجتهادی و اقسام آن» و «مکتب و تفسیرهای اجتهادی قرآن به قرآن» بررسی شده است. جلد سوم کتاب نیز به ترتیب «مکتب تفسیری اجتهادی روایی»، «مکتب تفسیری اجتهادی ادبی» و «مکتب تفسیری اجتهادی علمی» را بررسی کرده است.

این کتاب از منابع مهم در شناخت روش‌ها و مکاتب تفسیری در مراکز آموزش عالی ایران است و از سوی سازمان سمت «برای دانشجویان رشته‌های علوم قرآنی برای درس "روش‌های تفسیری" تدوین شده است» (بابایی، ۱۳۸۱ب، ج ۱، ص ۴).

مؤلف در اقدامی دیگر «با بازنگری محتوای مکاتب تفسیری و حذف و اضافات و تنقیح و ویرایش مطالب»، مجلدات سه‌گانه کتاب را با افزودن برخی مکاتب جدید تفسیری «بازنگاری و به‌صورت متن آموزشی» برای «مقطع کارشناسی ارشد و دکتری» در دو مجلد سامان دادند (بابایی، ۱۳۹۱الف، ج ۱، ص ۲).

اهمیت و اثرگذاری اصلی این کتاب به جایگاه آن در نظام آموزش عالی کشور بر می‌گردد. همچنین برگزاری نشست نقد و بررسی کتاب در خبرگزاری قرآنی ایکننا (ر. ک: یعقوبیان و احتشامی‌نیا ۱۳۸۸) و نیز نشست علمی نقد آن از سوی انجمن قرآن‌پژوهی حوزه علمی قم (سایت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه) از نشانه‌های دیگر اثرگذاری این کتاب در مجامع علمی است.

## ۴-۴. تاریخ تفسیر قرآن

این کتاب در دو جلد توسط استاد علی‌اکبر بابایی تألیف شده است. جلد اول به تاریخ تفسیر از عصر رسالت تا پایان عصر غیبت صغری (۳۲۹ق) می‌پردازد و جلد دوم به معرفی تفاسیر، مفسران و تطورات تفسیری قرون چهارم، پنجم و ششم هجری قمری اختصاص دارد و البته به‌طور ضمنی به ویژگی‌های کتاب‌های تفسیری، وضعیت تفسیر در دوره‌های مختلف، تطورات مکاتب و روش‌های مختلف تفسیری نیز اشاراتی دارد.

کتاب از آثار مهم در زمینه شناخت تفاسیر و مفسران است و «به‌عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های الهیات، گرایش علوم قرآن و حدیث، در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد» لحاظ شده است (بابایی و دیگران، ۱۳۹۹، ج ۲، ص ۱). اعتبار آکادمیک و مرجع و منبع بودن آن، وجه اصلی اثرگذاری کتاب است. همچنین برگزاری نشست علمی در نقد و بررسی این کتاب با حضور برخی اساتید حوزه علمی قم می‌تواند از شواهد دیگر اثرگذاری آن در مجامع علمی باشد (ر. ک: سایت خبرگزاری رسا).



#### هـ-۴. آسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری

این کتاب در دو مجلد فراهم آمده و حاصل «پژوهشی گروهی» است که «به بررسی، تجزیه و تحلیل آن دسته از رویکردهای تفسیری می‌پردازد که در گذر زمان و تحت تأثیر شرایط و زمینه‌های قابل تحقیق، به روندی اثرگذار در حوزه اندیشه‌های دینی تبدیل شده است» (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲). پرسش درباره پیشینه‌ها و زمینه‌های هر جریان و مؤلفه‌های آن، و آسیب‌های مبنایی و روشی و پیامدهای آن (آسیب‌های غایی)، سؤال‌های اصلی و محوری این تحقیق در هر بخش هستند. کتاب «در راستای پاسخ تفصیلی به پرسش‌های یادشده، سه هدف زیر را دنبال می‌کند: ۱. بازشناسی آسیب‌پذیری‌ها و آفت‌آفرینی‌های جریان‌های مهم تفسیری؛ ۲. بررسی و تحلیل آسیب‌ها و علل و عوامل و ریشه‌های آن؛ ۳. فراهم‌سازی بستر مناسب برای روش‌های کارآمد، صحیح و جامع در فهم و تفسیر» (همان).

مجلد نخست کتاب دارای هفت بخش به ترتیب زیر است: ۱. منطق تفسیر قرآن؛ ۲. جریان روایت‌گرویی؛ ۳. جریان سلفیگری؛ ۴. جریان باطنی؛ ۵. جریان صوفی عرفانی؛ ۶. جریان قرآن‌گرایی افراطی؛ ۷. جریان تفسیر علمی. مجلد دوم کتاب با بخش هشتم آغاز می‌شود و تا بخش شانزدهم با این ترتیب ادامه می‌یابد: ۸. جریان تفسیر معتزلی؛ ۹. جریان تفسیر اشعری؛ ۱۰. جریان تفسیر فقهی؛ ۱۱. جریان تفسیر ادبی سنتی؛ ۱۲. جریان تفسیر ادبی معاصر؛ ۱۳. جریان‌شناسی تفسیر فلسفی؛ ۱۴. جریان تفسیر اجتماعی عقلی؛ ۱۵. جریان روشنفکری التقاطی ایران در تفسیر قرآن؛ ۱۶. جریان هرمنوتیک در تفسیر قرآن.

این کتاب که بسیاری از اساتید و پژوهشگران حوزوی قم در طراحی، اجرا، نظارت و ارزیابی آن نقش داشته‌اند (اسعدی و همکاران، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳-۴)، از آثار مهم در زمینه شناخت آسیب‌های جریان‌های تفسیری است و به‌عنوان منبع اصلی درس «روش‌ها و مکاتب تفسیری» در سطوح تحصیلات تکمیلی آموزش عالی تعریف شده است (همان، ص ۴). بنابراین اعتبار آکادمیک آن دلیل بر اثرگذاری آن می‌باشد. به‌علاوه، معرفی و نقد این اثر از سوی برخی پژوهشگران حوزه تفسیر و علوم قرآن با فاصله اندکی از انتشار آن، خود نشان دیگری از تأثیرگذاری آن است (ر. ک: جلیلی، ۱۳۹۰؛ ولایتی، ۱۳۹۵).

#### نتیجه‌گیری

در سده اخیر، به‌ویژه بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، حوزه علمیة قم در زمینه علوم قرآن فعالیت شایان توجهی داشته است. دانشمندان اصول فقه علاوه بر تبیین و تنقیح اصول عقلائی فهم متن، به برخی مباحث علوم قرآن، به‌ویژه قرائات قرآن، تحریف‌ناپذیری قرآن و بطن قرآن، اهتمام ورزیده‌اند. در کتاب‌های کلامی سده اخیر نیز برخی مباحث علوم قرآنی، به‌ویژه مباحث مرتبط با اعجاز قرآن، بررسی شده است. در کتاب‌های فقهی نیز به تناسب بحث قرائت نماز، برخی جوانب مبحث قرائات قرآن مورد توجه قرار گرفته است.

مفسران قرآن کریم نیز در سدهٔ اخیر در مقدمهٔ تفاسیر یا مطاوی تفسیر به برخی مباحث علوم قرآن پرداخته‌اند که برخی از آنها ده فصل را شامل می‌شود.

کتاب‌های مستقل متعددی نیز در موضوعات متنوع علوم قرآنی به‌منصهٔ ظهور رسیده‌اند که برخی از آنها تلاش کرده‌اند همهٔ موضوعات علوم قرآن را در خود جای دهند (کتاب‌های جامع)؛ برخی چندین موضوع علوم قرآن را شامل می‌شوند (کتاب‌های نسبتاً جامع) و برخی یک موضوع علوم قرآنی را بررسی کرده‌اند (تک‌نگاری‌ها). بدین‌سان روشن می‌شود که علوم قرآن یکی از زمینه‌های تحقیق و بررسی در سدهٔ اخیر در حوزهٔ علمیهٔ قم بوده است و حوزیان در سطوح مختلف، اهتمام شایسته‌ای به مباحث این حوزهٔ اندیشه‌ورزی داشته‌اند.

## منابع

- ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمدبن علی، ۱۴۱۴ق، *الاعتقادات*، چ دوم، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید. استادی، رضا، ۱۳۸۳، *آشنایی با تفاسیر*، چ ۲، قم، قدس.
- اسعدی، محمد و دیگران، ۱۳۸۹، *اسیب شناسی جریان های تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. اشتهازی، علی بنا، ۱۴۱۷ق، *مدارک العروة*، تهران، دار الاسوه.
- الهی، عباس، ۱۳۸۹، *علوم قرآنی در تفسیر المیزان*، قم، نشر زائر.
- ایازی، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۳، *المفسرون حیاتهم و منهجهم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- بابایی، علی اکبر و دیگران، ۱۳۹۹، *تاریخ تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ؑ.
- بابایی، علی اکبر، ۱۳۹۱الف، *بررسی مکاتب و روش های تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۸۱ب، *مکاتب تفسیری*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- باقری، علی اوسط، ۱۳۹۹، *نقش پیش دانسته ها و علایق مفسر در تفسیر قرآن*، چ دوم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بروجردی، سیدحسین، ۱۴۱۵ق، *نهایة الأصول*، تهران، تفکر.
- جزائری، سیدحمید و همکاران، ۱۳۹۸، «بررسی تطبیقی شکل گیری مصحف از منظر آیت الله فاضل لنکرانی و آیت الله معرفت»، *مطالعات قرآنی*، ش ۱۳، ص ۳۵-۶۲.
- جلیلی، سیدهدایت، ۱۳۹۰، *تقدی بر کتاب «اسیب شناسی جریان های تفسیری»*، *آینه پژوهش*، ش ۱۲۷، ص ۲۴-۲۹.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، *تسنیم*، چ ششم، قم، اسراء.
- جواهری، محمدحسن، ۱۳۸۸، *درس نامه*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حائری یزدی، عبدالکریم، ۱۴۰۴ق، *کتاب الصلاة*، قم، حوزه علمیه قم.
- حکیمی رکن آبادی، ابوالفضل، ۱۳۹۳، *بررسی دیدگاه های آیت الله جوادی آملی در علوم قرآنی*، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه میبد.
- موسوی خمینی، سیدروح الله، ۱۴۲۳ق، *تهذیب الأصول*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ؑ.
- داوری، احد و سعیده آقایی اقدم و حمیده شفیعی، ۱۳۹۴، «عجاز علمی قرآن در اندیشه آیت الله جوادی آملی»، *معارض*، ش ۱، ص ۱۱۳-۱۳۳.
- رجبی، محمود، ۱۳۸۳، *روش تفسیر قرآن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- سبحانی، جعفر، ۱۴۲۶ق، *الالهیات علی هدی کتاب و السنة و العقل*، چ ششم، قم، مؤسسه الامام الصادق ؑ.
- صالحی کرمانی، محمدرضا، ۱۳۶۹، *درآمدی بر علوم قرآنی*، تهران، جهاد دانشگاهی.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ پنجم، قم، جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۵، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، ناصرخسرو.
- طوسی، محمدبن حسن، ۱۴۰۶ق، *الاقتصاد فیما يتعلق بالاعتقاد*، بیروت، دار الاضواء.
- \_\_\_\_\_، بی تا، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- عسکری، سیدمرتضی، ۱۳۷۸، *القرآن الکریم و روایات المدرستین الكتاب الثالث مناقشة ما زعمه الاستاذ احسان الیهی ظهیر «الف حدیث شیععی فی تحریف القرآن» و بیان زیف ما ادعاه*، دانشکده اصول دین.
- علامه فانی، سیدعلی، ۱۴۱۱ق، *آراء حول القرآن*، بیروت، الهادی.
- فاضل لنکرانی، محمد، ۱۳۸۱، *اصول فقه شیعیه*، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار ؑ.
- \_\_\_\_\_، ۱۳۹۶ق، *مدخل التفسیر*، طهران، مطبعة الحیدری.
- فاکر میبیدی، محمد، ۱۳۸۵، *قواعد التفسیر لیدی الشیعیة و السنة*، تهران، المجمع العالمی للتقرب بین المذاهب الإسلامیة.
- لسانی فشارکی، محمدعلی، ۱۳۶۰، *شرح فشردهای بر مقدمه تفسیر المیزان*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
- مرکز الثقافه و المعارف القرآنیة، ۱۳۷۴، *علوم القرآن عند المفسرین*، قم، مکتب الإعلام الإسلامی.

مروتی، سهراب و سیده راضیه پورمحمدی، ۱۴۰۰، «بازشناسی معنای «تأویل» بر اساس آیه ۷ سوره آل عمران با رویکرد تحلیلی بر نظرات آیت‌الله جوادی آملی»، *پژوهش‌نامه تأویلات قرآنی*، ش ۶، ص ۷۷-۹۰.

مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۸۸، *قرآن‌شناسی*، تحقیق محمود رجبی، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی و پژوهشی امام خمینی \*.

مطهری، مرتضی، ۱۳۷۲، *مجموعه آثار*، چ هشتم، تهران، صدرا.

معرفت، محمدهادی، ۱۴۲۹ق، *التفسیر الاتری الجامع*، قم، مؤسسه التمهید.

\_\_\_\_\_، ۱۴۱۵ق، *التمهید فی علوم القرآن*، چ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم.

\_\_\_\_\_، ۱۴۲۸ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، مؤسسه التمهید.

\_\_\_\_\_، ۱۳۸۲، *تاریخ قرآن*، تهران، سمت.

مقدس، حسین و جواد کارخانه، ۱۴۰۰، «بررسی و تحلیل ویژگی‌های اعجاز در پرتو اندیشه‌های قرآنی علامه جوادی آملی»، *مطالعات قرآنی*، ش ۴۷، ص ۵۳۷-۵۶۴.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۴۲۸ق، *انوار الاصول*، چ دوم، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب \*.

ملکیان، محمدباقر، ۱۳۸۸، *علوم قرآن در تفسیر المیزان و آثار علامه طباطبائی*، تهران، اسوه.

میرمحمدی زرندی، سیدابوالفضل، ۱۴۲۰ق، *بحوث فی تاریخ القرآن و علومه*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين.

نجاززادگان، فتح الله و فاطمه نجاززادگان، ۱۳۹۸، «ارزیابی ادعای آلوسی در باب نسبت تحریف قرآن به شیعه از منظر آیت‌الله فاضل لنکرانی»،

*مطالعات تطبیقی قرآن و حدیث*، ش ۱۳، ص ۷-۳۳.

نصیری، علی، ۱۳۸۷، *معرفت قرآنی (یادنگار آیت‌الله محمدهادی معرفت)*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ولایتی، مریم، ۱۳۹۵، «گذری بر کتاب «اسیب‌شناسی جریان‌های تفسیری و نقد آن»، *علوم قرآن و حدیث*، ش ۵، ص ۳۳-۴۲.

یعقوبیان، ابراهیم و محسن احتشامی نیا، ۱۳۸۸، «گزارش نشست نقد و بررسی کتاب مکاتب تفسیری»، *کتاب ماه دین*، ش ۱۴۱، ص ۳-۱۷.

<https://rihu.ac.ir/fa/news>

<https://rasanews.ir/fa/news>